

## ویژه برنامه یوم عهد و میثاق

۱- مناجات شروع

۲- ذکر دسته جمعی (ای کریم این عبد را به خود وامگذار توئی قادر و توانا)

۳- یوم عهد و میثاق

۴- اعلان عهد و میثاق در امریکا

۵- هرشجری را از ثمرش باید شناخت

۶- بیان حضرت عبدالبهاء خطاب به یکی از مؤمنین اولیه غربی

۷- فرد، عاشق باوفا

\*تنفس کوتاه

۸- گفت و شنود (الف) (ب) (در هر بخش ابتدا سؤال مورد نظر طرح گردد و عزیزان در خصوص آن به تبادل نظر پردازند و سپس بخشهایی که در ذیل هر سؤال آمده است و گزیده هائی از هدایات بیت العدل اعظم الهی است زیارت گردد)

۹- پخش کلیپ عهد و میثاق

۱۰- مسابقه

۱۱- اجرای موسیقی

۱۲- پذیرائی و اهداء یادبود

۱۳- مناجات خاتمه

با آرزوی توفیق

## ۱- مناجات شروع:

هُوَ اللَّهُ

ای پروردگار این نفوس مشتاق دیدارند و سودائیان زلف مشکبار هر دم فریادی نمایند و آه و فغانی بر آرند و استدعای عنایتی کنند و موهبتی طلبند توئی بخشنده و مهربان و توئی رحیم و رحمان و توئی واهب فضل بی پایان ای خداوند بخشنده این نفوس را ثابت عهد نما راسخپیمان کن منجذب به نفحات تقدیس نما و متذکر به آیات توحید کن مشمول لحظات عین رحمانیت نما و مجذوب جمال نورانیت کن هر دم تأییدی جدید بخش و هر نفس نفس رحمان به مشام بخش توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و دانا. ع ع

## ۳- یوم عهد و میثاق

بهائیان هر ساله روز ۵ آذر را به گرامی داشت مقام حضرت عبدالبهاء می پردازند. حضرت عبدالبهاء این روز را که ۱۸۰ روز پس از صعود حضرت بهاءالله است را به عنوان روزی برای تجدید عهد و میثاق و به یاد و منزلت حضرت عبدالبهاء مشخص فرمودند و بهائیان این روز را جشن می گیرند

"احباء آنچنان عشقی به حضرت مولی الوری داشتند که بسیار مایل بودند سالروز ولادت ایشان را جشن بگیرند و لذا از ایشان برای این کار اجازه خواستند ایشان جواب دادند چون ولادت ایشان با یوم اظهار امر حضرت باب مصادف است، و ایشان مایل نیستند از عظمت و شکوه آن یوم بکاهند مایل هستند یاران به جای آن روز یوم ۲۶ نوامبر (۵ آذر) را به عنوان یوم میثاق جشن بگیرند. از آن زمان تا کنون این روز به عنوان یکی از ایام مخصوصه بهائی گرامی داشته می شود."

خاطرات رامونا آلن براون ص ۱۷

#### ۴- اعلان عهد و میثاق در امریکا

جلسه وداعیه ما با حضرت عبدالبهاء بود...ایشان احباء را به خاطر انتشار و استقرار امرالله مورد ستایش قرار دادند. طلعت اطهر فرمودند که آنچه را می توانستند در انتشار امر والد بزرگوارشان انجام دادند ایشان از برای ما بهجت و امید، آرزو نمودند و ما را به ادعیه خود در اعتاب مقدسه اطمینان دادند. وقتی ایشان درباره زندگی و رنجهای حضرت بهاء الله، سرگونی هیکل مبارک با عائله مبارک از ایران، از وطن خودشان، صحبت می کردند، خضوع و خشوع عظیم ایشان کاملاً محسوس بود. اشک در چشمانشان جمع شد و از گونه ها فرو ریخت و با صدای گرفته از محرومیتها و سختی هائی که والد محبوبشان و عائله ایشان و گروه اندک همراهانشان تحمل کرده بودند، صحبت کردند... آن حضرت از ستمهای وارده داستانها گفتند و از بی عدالتی های تحمیل شده بر پدرشان حکایتها تعریف نمودند. در آن اطاق آرام، محبت و شفقت عمیقی که از اعماق وجودمان نسبت به آن حضرت فوران می کرد محسوس بود. ناگهان لحن مبارک عوض و صدای مبارک قوت خود را بازیافت دیدگان طلعت مبارک برق زد و در کمال اقتدار به بیان اظهار امر حضرت بهاء الله در باغ رضوان پرداختند که در آن یوم مبارک طلعت مقصود خود را شخص موعود معرفی فرمود. ایشان فرمودند که چگونه بعدها در عکا حضرت بهاء الله اصول امر مبارک را عنایت فرمودند و توضیح دادند که تأسیس عهد و میثاق حضرت بهاء الله الی الابد امر الهی را حراست و صیانت خواهد نمود. حضرت عبدالبهاء فرمودند که والد ایشان نوشته اند که "من مرکز میثاقم را منصوب نمودم، همه باید از او اطاعت کنند، همه باید به او توجه نمایند. او مبین آیات من است."

بعثتاً فضای اطاق پرهیجان شد. حضرت عبدالبهاء در کمال جلال و جمال از محل جلوس برخاستند و به صدای رسا فرمودند: "مرکز میثاقم، من مرکز میثاقم" احباء از جا برخاستند. به نظر می رسید از این اعلان عظیم مبهوت شده و از احساساتی باور نکردنی مشحون گشته بودند. در چهره ها آثار حیرت، سرور و شادمانی موج می زد. تدریجاً در می یافتیم که در حضور چه کسی ایستاده ایم. در مقابل "سر الهی" موهبت خاص خداوند به نوع بشر ایستاده بودیم لحظاتی چند گذشت و بعد حضرت عبدالبهاء دوباره شروع به صحبت کردند. بعد به هر یک از ما نگاه کردند و با لحنی که آثار استدعا داشت از احبا خواستند به تبلیغ تعالیم مبارک بپردازند و بر امر ثابت و مستقیم بمانند. به آنها گفتند که نه به اقوال، بل به اعمال به تبلیغ بپردازند. ایشان فرمودند "این ایام پرمسرت به سرعت سپری شود و چون بگذرد دیگر تکرار نخواهد شد."

خاطرات رامونا آلن براون ص ۷۱

۶- بیان حضرت عبد البها خطاب به یکی از اولین زائرین غربی :

" اگر در این ایام، در راه امر الهی به خدمت قیام کنی وجود تو لبریز از روح الهی خواهد شد و خداوند لشکریایی از فرشتگان خود را به کمک تو خواهد فرستاد و انجام هیچ امری در جهان برای تو غیر ممکن نخواهد بود ، فقط اگر ایمان داشته باشی .

و حال به تو رهنمودی می دهم که باید عهد و میثاق بین من و تو باشد :

ایمان داشته باش و در ایمانت چون صخره استوار باش، آنچنان که هیچ طوفانی ، قادر نباشد تو را متزلزل کند و هیچ چیز نتواند تو را آشفته سازد ، همه سختی ها و دشواریها را، با برد باری تا به آخر تحمل کن.... مطمئن باش من همیشه با تو هستم ، چه زنده باشم یا نباشم ، با توهستم ، تا به آخر. تا زمانی که تو ایمان داری ، قوی و قدرتمند هستی و از مواهب الهی ، بهره و نصیب خواهی برد .

این است معیار و میزان ،

این است معیار و میزان ،

این است معیار و میزان . "

- نقل به مضمون ، از ترجمه بیان حضرت عبد البهاء نقل از کتاب :

"An Early Pilgrimage" by May Maxwell, pages 39-40

## ۵-هرشجری را از ثمر آن باید شناخت

یکی از ناقضین ساکن بمبئی به نام میرزا حسینعلی جهرمی ظاهراً به قصد تحقیق، توبه و استغفار به ارض مقصود آمد اما غرض اصلی اش واضح و آشکار بود زیرا این شخص از جمله افرادی بود که سعی داشتند اعمال خائنانه میرزا محمد علی، نابرادری حضرت عبدالبهاء و مرکز نقض را ناچیز جلوه دهند. جهرمی به قول خودش آمده بود که برایش مسلم شود حق با چه کسی است حضرت عبدالبهاء یا میرزا محمد علی؟ اما حقیقت امر آن بود که او یکی از حامیان و طرفداران پروپا قرص ناقض اکبر در هندوستان بود. طلعت پیمان امر فرمودند ابتدا یونس خان و بعد جناب میرزا حیدر علی با او ملاقات نمایند. یونس خان دریافت که این مرد علاقه ای به دانستن حقیقت ندارد و نیتش خالص نیست. ولیکن جهرمی مصرانه می خواست که شخصا با آن حضرت ملاقات نماید. آن حضرت در خواست او را برای مصاحبه قبول فرمودند اما لوا به محض اینکه از موضوع مطلع شد از هیکل اطهر رجا نمود اجازه فرمایند او یک جلسه با این مرد ملاقات نماید... هیکل مبارک به لوا اجازه فرمودند که جهرمی را ملاقات کند و دکتر یونس خان برای ترجمه او را همراهی نماید دکتر یونس خان تعریف می کند که لوا با خشم و تغییری آتشین به اطاق وارد شد وقتی دید که جهرمی خود را به تجاهل می زند ابتدا به ساکن سؤال کرد آیا میرزا محمد علی بهائی هست یا نه؟

جهرمی می گوید: او از خاندان عصمت و از اغصان شجره مبارکه است و باید شأن و حرمتش را نگاه داشت. و لوا در پاسخ می گوید: من از خاندان و شأن و حرمت او نپرسیدم من می خواهم بدانم که آیا او مؤمن به جمال مبارک هست یا نیست؟

جهرمی در جواب می گوید: چه کسی بیشتر از او می تواند مؤمن به حضرت بهاءالله باشد؟ ولوا می پرسد: پس کو آثار ایمان او؟ چرا اثری از ایمان در او مشهود نیست؟ حضرت مسیح به ما فرموده که هر شجری را از ثمر آن باید شناخت پس کجاست ثمر و نشانه های ایمان او؟ چند نفر را تا به حال تبلیغ کرده؟ این چه ایمانی است که بوئی از آن به مشام احدی نرسیده؟ من که یک زن عامی آمریکائی هستم از وقتی این ندای مبارک به گوشم خورده تا کنون بیش از پنجاه نفر را در ظل این آئین وارد کرده ام... میرزا محمد علی تا به حال چه کرده؟... بهائی باید انصاف داشته باشد آیا این نتیجه ایمان اوست؟ و اینست ثمر او که باعث گمراهی مؤمنین شود؟ این است شأن و حرمت او در امر الهی؟... لوا با چنان قاطعیتی سخن می گفت که جهرمی تسلیم شد و اجازه مرخصی خواست.

مظهر ظهور الهی با ظهور خویش مشیت و هدف خداوند را به عالم انسانی عنایت می فرماید... اما ظرفیت و استعداد عالم انسانی برای درک این ظهور الهی و اجابت آن محدود است. قوه ای که فرد را علیرغم این محدودیت ذاتی قادر به تبعیت از تعالیم نماید، قوه میثاق است. اگر قوه میثاق نبود، عالم انسانی طاقت و تحمل خود را از دست می داد دیگر امکان پی بردن به اراده الهی برای حصول هدف و مقصود حضرتش میسر نبود میثاق سرچشمه ایمان و عشق است.

در این دور الهی فرد فیوضات میثاق را به دو طریق دریافت می کن: از طریق میثاق اعظم، میثاق بین خدا و عالم انسانی، و از طریق میثاق صغیر، که بین حضرت بهاء الله و مؤمنین به آن حصرت منعقد شده است. حضرت بهاء الله در کتاب اقدس در ارتباط با میثاق اعظم، وظایف دوگانه ای را که خداوند ایفای آن را به بندگانش واجب فرموده توصیف می فرمایند. وظیفه اول: "عرفان مشرق وحیه و مطلع امره" است هر نفسی که به عرفان مظهر ظهور الهی نائل شده باشد لازم است (وظیفه دوم) "ان یتبع ما امر به من لدی المقصود" حضرت بهاء الله توضیح می فرمایند که "لانهما معا لا یقبل احدٌ دون الاخر" ...

مقصود از عهد و میثاق صغیر آن است که ... "امر الهی اعتبار و نفوذش را استمرار بخشد و اصالتش را تضمین کند، از انشعاب و تفرق حفظش نماید و بسطش را تقویت کند."

حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و پیمان هستند و بعد از ایشان، دو مؤسسه ولایت امر الله و بیت العدل اعظم دو مرکزی هستند که کل باید به آن توجه نمایند... بنابر این فرد مؤمن برای ثبوت بر میثاق، در کمال وفاداری و عزم راسخ به نصوص مقدسه و مرکز منصوص در امر مبارک توجه می کند و به این وسیله به اراده و مقصود الهی آنچنان که در آثار حضرت بهاء الله عزّ نزل یافته متمسک می گردد... ثبوت بر میثاق مستلزم اعتماد است. اعتماد به اینکه خداوند به وعده اش که مفتوح نگاه داشتن جریان هدایت الهیه است وفا می کند. این بدان معناست که آحاد مؤمنین باید اطمینان داشته باشند که خداوند بیت العدل اعظم را هدایت می فرماید که آنچه را که در لحظه مناسب به مصلحت امر مبارک است انجام دهد. بدون چنین اطمینانی، خدمت به امر مبارک بنیاد بر باد خواهد داشت.

عهد و میثاق صرفاً درباره ظهور مظهر ظهور جدید و جانشینی مرکز منصوص بعد از درگذشت حضرتش نیست. بلکه به روابط می پردازد: رابطه بین خدا و فرد، بین فرد و مظهر ظهور، بین فرد و امر مبارک، میان آحاد مؤمنین و بین افراد و تشکیلات عهد و میثاق پیوند وظیفه و نیز پیوند عشق و محبت را در هر یک از این روابط تعریف می کند. حضرت عبدالبهاء می فرمایند که روح میثاق مرکز و کانون حقیقی عشق و محبت است که اشعه ساطعه اش را به جمیع نقاط کره ارض منعکس می سازد و موجب احیاء عالم امکان و تجدید

حیات انسان و روشنی بخش سیل جلیل ملکوت ابهی است.

خلق تفکر جدید ص ۳۲-۳۰

بر اساس مطلب فوق که " آحاد مؤمنین باید اطمینان داشته باشند که خداوند بیت العدل اعظم را هدایت می فرماید که آنچه را که در لحظه مناسب به مصلحت امر مبارک است انجام دهد. بدون چنین اطمینانی، خدمت به امر مبارک بنیاد بر باد خواهد داشت."

الف- هدایت بیت العدل اعظم الهی برای وفای به عهد در این عصر و زمان چیست؟

در خصوص اشتغال جوانان به فریضه روحانی تبلیغ و ارجحیتی که به آن اختصاص می دهند دو نکته قابل ذکر است. اول اینکه همانگونه که مستحضرید احبای ممتحن مهد امرالله وظیفه مخصوص در انجام نوایای حضرت غنی متعال داشته و باید بیش از پیش آماده باشند که توجه خود را معطوف به احیای ایران و نقشی که دست تقدیر برایش مقدر فرموده است سازند. جوانان عزیز بهائی در آن کشور سهم عظیمی از این مسئولیت را بر عهده دارند و الحمدلله آگاه و مشعوفند که روز دعوت نزدیکان و هم نسلان قابل اعتمادشان به حلقه های مطالعه و جلسات دعا در آن سرزمین مقدس فرا رسیده است اهمیت و فوریت این خدمت عظیم به دلایلی بیشمار نمایان است و این فرصت گرانبهای را نباید از دست داد. بدهی است که لازمه ایفای این نقش بر طبق بیانات متعدده الهیه فداکاری و از خود گذشتگی است...

نکته دوم این است که کسب علوم و صنایع به عنوان یکی از طرقی که فرد می تواند خود را برای خدمت در راه استقرار تمدن جهانی مادی و معنوی مورد نظر حضرت بهاءالله آماده کند البته حائز اهمیت می باشد و نباید مانعی در راه تبلیغ محسوب شود آنچه بیت العدل اعظم آن را برای جوانان بهائی شایسته و مطلوب می دانند پیشرفت هم در زمینه تبلیغ و هم در تحصیل علوم و فنون می باشد. بین تبلیغ و تحصیلات عالیه دوگانگی و تضاد وجود ندارد و انجام یکی ولو در برهه ای از زمان الویت داشته باشد به معنی ترک دیگری نیست با مشورت و تعمق می توان به هر دو پرداخت.

ب- به نظر شما در این دنیای مملو از مشغله چگونه می توان بر این عهد و میثاق پای فشرد و در این راه موفق بود؟

سرعت تحقق وعود الهیه در آن خطه مبارکه تا حد زیادی به جدیت احبای عزیز در میدان تبلیغ با رعایت حکمت وابسته است و این نیز به نوبه خود بستگی مستقیم به میزان تعهدی دارد که هر فرد وجدانا بین خود

و جمال مبارک می سپارد که تا چه حد زندگی خود را در شرائط فعلی وقف تبلیغ انفرادی نماید. افراد در تعیین این میزان تعهد متفاوتند زیرا انجام آن مستلزم از خودگذشتگیهای متفاوت می باشد. اوقات احبا برای خدمت به امرالله نامحدود نیست. دوستان عزیز باید متوجه باشند که وقت محدود روزانه خود را چطور صرف می کنند و به این فکر باشند که عادات و انضباطی در خود به وجود آورند تا با تعیین ارجحیتهای لازم، هم از یک سو به مسئولیتهای حیاتی زندگی خود برسند و هم از سوی دیگر وقت و انرژی کافی برای تبلیغ انفرادی داشته باشند... پس بکوشید و این روش و سلوک را راه زندگی خود سازید و همدیگر را به طور انفرادی تشویق و حمایت نمائید تا این روند اوج گیرد و ترقیات چشمگیر حاصل شود و از این طریق به تقدیم یکی از بزرگترین خدمات تاریخی به آستان مقدسش موفق گردید. وقت تنگ است. فرصت را باید غنیمت شمرد. از مواضع موجوده نهراسید و حد اکثر قوای خود را در سیل استحکام این فرایند بکار برید.

مناجات خاتمه

هوالبهی

ای پروردگار به آنچه سزاوار است موفق کن ای آمرزگار به آنچه لایقست مؤید فرما این دست ها به دامن عفت پیوسته و این دلها به محبت مقید و بسته عنایت کن موهبت بخش